

بررسی مفهوم حقیقی نور در عرفان اسلامی و انعکاس آن در نگارگری اسلامی

چکیده

عناصر تشکیل‌دهنده هنر اسلامی نشانه‌هایی از جهان قدسی و ملکوتی هستند که در آن نور الهی نقش اصلی را ایفا می‌کند که جلوه‌ای از جلوات خداوند است و حضورش در عرفان و هنر اسلامی تجلی می‌یابد. در فرهنگ ایرانی، اسلامی نور همواره نمادی از عالم ملکوت و معنا بود. از این رو در نظریه‌های عرفانی جایگاه اساسی دارد. از منظر هنر اسلامی همه چیز از افاضه وجود بهره‌مند است زیرا خداوند نور مطلق آسمان و زمین است و رنگ‌ها راه و وسیله‌ای برای نمایش نور هستند که با آشنا شدن با عوالم نورانی و طی کردن مراحل سلوک عارف و پدیدار شدن مقامات عرفانی به صورت رنگ و نوری خاص در درون انسان عارف مرتبط می‌گردد. در پژوهش حاضر به مسئله نور در عرفان و نگارگری اسلامی پرداخته شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع تاریخی به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است روح هنر اسلامی سیر از ظاهر به باطن اشیاء و امور است و هنرمندان در نقش و نگارهایی که در صورت‌های خیالی خویش در عالم کثرات می‌بینند در نظرشان هر کدام جلوه حسن جمال و جلال الهی را می‌نماید؛ بدین معنی هنرمند همه موجودات را چون مظهري از اسماء الهی می‌بیند و بر این اساس اثر هنری او به مثابه محاکات و ابداع اسماء الله است. در تفکر اسلامی جهان جلوه و مشکات انوار الهی است که حاصل فیض مقدس نقاش ازلی و هر ذره‌ای و هر موجودی از موجودات جهان و هر نقش و نگاری مظهر اسمی از اسماء الهی است

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مفهوم نور در عرفان اسلامی.
۲. واکاوی چگونگی انعکاس مفهوم عرفانی نور در نگارگری اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. جایگاه نور و رنگ در عرفان اسلامی و آثار آن در هنر اسلامی چگونه است؟
 ۲. منظور از خیال خلاق و تجلی‌گونه چیست؟
- کلیدواژه‌ها: نور، خیال، هنر، عرفان.

مقدمه

رمز اصلی در هنر اسلامی اشراق نور است. این هنر با نشانه‌های نمادین محل و مجرای برای ظهور نور می‌گردد. هنرمند ایرانی، اسلامی درصدد به تصویر کشیدن عالم خارج آن‌گونه که با تمامی ناهماهنگی‌ها و عوارض آن با ادراک حسی ما قابل فهم هست، نیست. امری را که هنرمند به نحوی غیرمستقیم توصیف می‌کند، اعیان ثابت اشیاء است. آنچه آثار هنر اسلامی را در سراسر جهان به هم نزدیک کرده تجلی بخشیدن ذات مطلق باری تعالی به شکل نور در این هنر هست. وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت مفهوم اصلی و نمادین آن است. در این هنر آنچه مورد توجه قرار گرفته گریز از جهان واقعی و روی آوردن به عالم خیال است که در آن ذات حقیقی اشیاء جای دارد و هنرمند سعی می‌کند خود را از قید طبیعت ظاهری و عینی رها سازد و به ترسیم و تجسم حقیقت فرا مادی عالم مثال می‌پردازد. از این رو جهان هستی برای هنرمند سرشار از نشانه‌ها و آیات خداوندی ست که جز با زبان نماد و تمثیل و مدد گرفتن از ادراک خیالی شناخته نمی‌شود. زیبایی در هنر اسلامی جلوه‌ای از حقیقت کلی و جمال الهیست و تجلی خداوند در اعیان عالم، انسان را به فراسوی صورت‌های این جهانی برده و به سوی عالمی رهنمون می‌شود که خداوند در آن حضوری آینه‌وار دارد. هنرمند در لبیک به این فراخوانی، کشف و شهود را در آثار هنری خود متجلی می‌سازد و بدین شکل هنرهای اسلامی آیین‌های برای ظهور عالمی فراتر از این عالم گشته‌اند. براساس این تبیین اگر شهود حسن و جمال الهی یا انکشاف حقیقت را «روح» هنر اسلامی بدانیم، آثار هنر اسلامی «جسم» این هنر خواهد بود. یکی از هنرهای اسلامی که نور در آن مفهومی نمادین دارد هنر نگارگر اسلامی است.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که پژوهش‌هایی در این موضوع انجام شده است. توبیه‌ای نجف‌آبادی و فنایی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کاربرد رنگ در نگاره‌های معراج‌نامه میرحیدر بر مبنای جایگاه رنگ در قرآن مجید و احادیث»، به بررسی نمادها و مفاهیم رنگی به کار رفته در قرآن و چگونگی تأثیرات و تصمیمات هنرمند از این مفاهیم در ارائه مضامین دینی نگاره‌ها می‌پردازند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از آثار روانی رنگ بر شخصیت انسان، مفاهیم مذهبی اسلامی را بسیار پر بار و هم‌افق با اصول نظری و دانش قرآنی و اسلامی می‌سازد تا جایی که در این مجموعه تسلط رنگ به جای خط به طور محسوس آشکار می‌باشد. شمس و مقدادیان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مفهوم عرفانی نور و ظل در قرآن و سنت»، به این نتیجه می‌رسند که گرچه نحو ظهور خدای متعال در هر حضرتی و هر مرتبه‌ای از وجود منبسط، متناسب با آن مرتبه است؛ اما اعتقاد موحدین اهل الله این است که خدای متعال به ازلیت خویش فرای زمان و مکان ظهور داشته است. بالاترین مرتبه ظهور او مرتبه بطون و غیبت محض است که در آن مرتبه، ذات او به «نور» تامه چنان بر خویشتن روشن است که هیچ غیر و سوایی را نه یارای ورود به آن ساحت است و نه توان فهم آن مقام برای ماسوی الله متصور است. با این تفاسیر در آثار یاد شده به صورت مستقل به موضوع پژوهش حاضر پرداخته نشده است لذا در این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع تاریخی به این موضوع پرداخته خواهد شد.

نتیجه‌گیری

نور در هنر اسلامی به خداوند اشاره دارد و نماد وحدت است. آنکه به بالاترین درجه آگاهی رسیده یگانگی و وحدت با نور را که مظهر ذات مطلق لایتناهی است تجربه خواهد کرد. هاله نور، مقام انسان کامل است و در عرفان اسلامی انسان کامل کسی نیست جز آنکه به مقام جاودانگی نائل آمده باشد. نظریه رنگ ما را به محل تلاقی تجربه‌های عرفانی و تجربه نبوی که هر دو تجربه‌های روحانی هستند، می‌کشد. مضمون رنگ ارتقاء یافته به نقطه‌ای است که در آن نور و رنگ معنای پیامبرانه‌ای دارند. اشراقات نورهای پاک و نورهای رنگی به صفات زیبایی اشاره دارد. نور فقط به شرطی قابل‌رؤیت می‌شود که مصور به صورت حق گردد. نور مطلق در مرتبه داده‌های حسی به ادراک درمی‌آید، بلکه در پرتو «حضرت خیال» قابل‌رؤیت است و الوهیت به شکل حضور تصویر در آینه، نمایان می‌گردد. مکان این حضور همان آگاهی فرد مؤمن یا به تعبیر دقیق‌تر خیال تجلی‌گونه‌ای است که به او عطا شده است که صورت حضرت حق را در مقام وجودی خود پیدا می‌کند. در تاریخ هنر اسلامی معنی هنر با نوعی الهام و اشراق همراه بوده است. اگر عرفان را به معنای شناخت و دریافت وجدانی و شهودی خدا و اسماء او بدانیم، برخی از اسماء الهی مانند: «مصور، خالق، بدیع، باری و مبدع» با هنر و زیبایی و آفرینندگی و خلاقیت و نوگرایی پیوند برقرار می‌کند. پس بشر برای حفظ و جاودان ساختن ارزش‌های الهی و فطری خود همواره از هنری که از روحانیات و فطرت پاک بشری نشأت گرفته باشد مدد گرفته است.

منابع و مأخذ:

- احسانی، آصف. (۱۳۹۳). «عقلانیت در فلسفه ملاصدرا»، فصلنامه پرتو خرد، شماره هشتم: ۸۶-۵۵.
- توبیه‌ای نجف‌آبادی، الهه؛ فنایی، زهرا. (۱۳۹۶). «تحلیل کاربرد رنگ در نگاره‌های معراج نامه میرحیدر بر مبنای جایگاه رنگ در قرآن مجید و احادیث»، فصلنامه هنر اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۲۸: ۹۸-۱۱۹.
- جعفری لنگرودی، ملیحه؛ ذاکری، احمد. (۱۳۹۳). «نور سیاه در عرفان از دیدگاه اسیری لاهیجی»، فصلنامه عرفان اسلامی، شماره ۴۱: ۲۱۳-۱۹۸.
- رحمتی، انشالله. (۱۳۹۳). «پرتوافشانی خیال در ازل»، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره دوم: ۴۶-۴۴.
- سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۹۲). کلمه الاشراق، ترجمه و شرح سید جعفر سجادی، جلد سوم، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- سهروردی، شهاب‌الدین. (۱۳۹۷). حکمت‌الاشراق، ترجمه و شرح سید جعفر سجادی، چاپ دوازدهم، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۲). هانری کربن آفاق تفکر معنوی در اسلام، ترجمه باقر پرهام، چاپ ششم، تهران: آگاه.

شریعت‌مداری، فاطمه. (۱۳۹۷). «مهر تا الله: بررسی جایگاه نور و چگونگی تداوم آن در آیین‌ها و ادیان ایران‌زمین، از شمس، محمدجواد؛ مقادادیان، عادل. (۱۳۹۳). «مفهوم عرفانی نور و ظل در قرآن و سنت»، پژوهشنامه عرفان، شماره ۱۴: ۵۹-۳۹.

باستان تا اسلام امروز»، فصلنامه هنر و تمدن شرق، شماره ۲۲: ۵۴-۴۹.
صدرالمتأهلین شیرازی، محمدابراهیم. (۱۳۹۲). الاسفار الاربعه، قم: مستفوی.
ضیایی، حسین. (۱۳۹۱). معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی، ترجمه سیما سادات نوربخش، تهران: فروزان.
کربن، هانری. (۱۳۹۲). انسان نورانی در تصوف ایرانی، ترجمه فرامرز جواهری‌نیا، تهران: گلبان.
کربن، هانری. (۱۳۹۶). فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، ترجمه جواد طباطبایی، چاپ دوم، تهران: توس.
کربن، هانری. (۱۳۹۹). واقع‌انگاری رنگ‌ها و علم میزان، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا.
محمدیان، عباس؛ مهجوری، محمود. (۱۳۹۵). «بررسی تجربه‌های دینی نجم‌الدین کبری در کتاب «فوائج‌الجمال و فوائج‌الجلال»»، کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۳: ۱۰۱-۷۱.
مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۹۶). دیوان کامل شمس تبریزی، از نسخه بدیع‌الزمان فروزان‌فر، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
Corbin, Henry (۲۰۱۰). En Islam Iranian: aspects spirituels et philosophies, Gallimard, Paris.